



سخن آغازین:

از منظر فرهنگ و حیانی قرآن، کمال غایی انسان تنها به وسیله عبادت آگاهانه به دست می آید و هدف نهایی آفرینش جن و انس نیز ریشه در همین حقیقت دارد!

عبادت بارزترین جلوه ارتباط انسان با خداست، خداوندی که در بینش حق باوران به همه آفریده‌های خود احاطه کامل دارد. او همه جا حاضر و ناظر است و از همه چیز به انسان نزدیکتر و از هر چیزی بالاتر می باشد. پروردگاری که از اسرار دل انسانها آگاه و از نجوای مخفیانه و

تصمیمهای افراد باخبر است. مولای عارفان علی علیه السلام فرمود: «قَدْ عَلِمَ السَّرَائِرَ وَخَبِرَ الصُّمَّانِ، لَهُ الْإِحْاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعَلْبَةُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ»^۱

خدا به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن همه چیز باخبر است، به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر هر شیئی تواناست.

همچنین از منظر قرآن ارتباط انسان با چنین خدای قادر و قاهر و

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ «جن و انس را جز برای عبادت خلق نکردم.» (ذاریات/۵۶).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۶

عالمی، ارتباطی آسان و سهل الوصول است. همه کس در همه جا و در همه حال می توانند با آفریدگار خود نجوا کرده و راز دل خود را در میان بگذارند و درهای بیکران رحمت الهی را با مناجات و دعا و نماز به روی خود بگشایند.

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاتَّبِعْنِي فَمَتَّبِعْتَهُمْ وَأَتَّبِعْتَهُمُ إِذَا دَعَاكَ﴾^۱

«هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو:] من نزدیکم و دعای دعا کننده را - هنگامی که مرا می خواند - اجابت می کنم.»

بر این اساس عبادت، ارتباط آسان انسان ناتوان با آفریدگار جهان است که هر لحظه اراده کند و خود را نیازمند پناهگاهی مطمئن و زوال ناپذیر ببیند، می تواند به این وسیله به قدرت لایزال آفریدگار هستی تکیه کرده و آرامش از دست رفته خود را باز یابد. او با روی آوردن به عبادت آگاهانه، ارتباطی صمیمانه با سرچشمه و پدید آورنده نیکیها و زیباییها برقرار نموده و کارسازترین سلوک را در زندگی انتخاب می کند.

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی عبادت و سلوک معنوی دستاوردهای ارزشمندی به بشر هدیه می کند. کسب بینشهای متعالی، رسیدن به عظمت روحی و روانی، به دست آوردن ملکه تقوی (بالاترین معیار ارزش انسان)، صفای باطن و آزادگی روح، دوری از زشتیها و گرایش به خوبیها، آثار جسمانی، بهداشتی، فردی و اجتماعی، نمونه ای از ره آورد رفتار عبادی افراد است. افزون بر این، مقامات معنوی همچون: اخلاص، توکل، اطاعت از خداوند، حضور قلب و مواردی از این قبیل نیز از ثمرات پر بار عبادت و ارتباط با پروردگار متعال می باشد. در یک کلام بالاترین ارمغان عبادت و عرفان حقیقی، آزادی بی قید و شرط انسان از تمام تعلقات غیر الهی و پناه گرفتن در سایه لطف حضرت حق می باشد که وجود او را از

عبادت، ارتباط آسان
 انسان ناتوان با آفریدگار
 جهان است که هر لحظه
 اراده کند و خود را نیازمند
 پناهگاهی مطمئن و
 زوال ناپذیر ببیند،
 می تواند به این وسیله به
 قدرت لایزال آفریدگار
 هستی تکیه کرده و
 آرامش از دست رفته خود
 را باز یابد.

معصوم علیه السلام که مطمئن ترین و
 کاملترین الگوی بشریت هستند مدد
 بگیریم.

با توجه به نکات یاد شده و
 اهمیت عبادت در زندگی انسان،
 کوشیده‌ایم در این فرصت، گذری بر

تمام موجودات حتی فرشتگان،
 ارزشمندتر و شایسته تر می نماید و
 قلب و جان او را در عشق ورزیدن به
 مبدأ کائنات تسخیر می کند و در نتیجه
 شمع وجودش در آسمان و زمین
 می درخشد.

گرنور عشق حق به دل و جان او افتد

بالله کز آفتاب فلک خویشتر شوی

از پای تا سرت همه نور خدا شود

در راه ذوالجلال چو بی با و سرشوی

از آنجا که طی چنین مسیر

حساسی در وادی عبادت و عرفان

نیازمند الگو و راهنما می باشد و بدون

راهبر راستین و آگاه، انسان نه تنها

سرگشته و حیران می ماند بلکه ممکن

است افرادی سودجو و گروههایی

فرصت طلب او را از صراط مستقیم

هدایت، گمراه کرده و الی الابد دچار

هلاکت نمایند، پس برای سلوک

عبادی و عرفانی شایسته است

راهنمایی در خور انتخاب کرده و

پیروی نمود.

چه شایسته است که برای وصول

به سعادت حقیقی در این مسیر از سیره

و سخن رهبران الهی و پیشوایان

حیات عبادی و عرفانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام داشته باشیم، به این امید که گفتار و رفتار عرفانی آن مظهر اسماء حسناى الهی، همچون نوری درخشان در پیمودن راه حساس و پر خطر زندگی ما را راهنمون شود.

عبادت به چه معناست؟

عبادت و ستایش پروردگار یک مفهوم وسیع و فراگیر دارد که هر کار نیک و مفیدی را که با انگیزه خدایی انجام پذیرد شامل می شود. یعنی عبادت از دو رکن اساسی تشکیل می شود که یکی نیت و دومی انجام عمل پسندیده است.

اساساً عبادت از دیدگاه اسلام از هنگام بلوغ بشر شروع شده و تا لحظه مرگ ادامه می یابد.

«وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^۱
«پروردگارت را عبادت کن تا لحظه یقین [مرگ] فرارسد.»

با توجه به این نکته، یک انسان مسلمان می تواند تمام گامهای خویش را که در راه زیستن بهتر و انجام اعمال پسندیده بر می دارد، همه را برای خدا و با انگیزه الهی همراه کند و به این

ترتیب در تمام لحظات عمر خود در حال عبادت باشد. او با بهره گیری از سفره گسترده رحمت الهی، خود را در فضای ملکوتی و نورانی عبادت داخل کرده و با انجام هر عمل خیری به نیت تقرب الی الله گامی دیگر به سوی تکامل برمی دارد و به این ترتیب محبوب خدا شده و تمام وجودش خدائی می شود. خداوند متعال می فرماید: «مَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوْفَلِّ حَتَّىٰ أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّذِي يُنْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا؛ إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ»^۲

پیوسته بنده من به وسیله نافله ها و عبادت های مستحبی به من نزدیک می شود تا اینکه محبوب من می شود، وقتی که محبوبم شد من گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و دست او می شوم که با آن عمل می کند و پای او می شوم که با آن راه می رود، اگر مرا

۱. حجر/ ۹۹.

۲. الغدير، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۵۵.

بخواند او را اجابت می‌کنم و اگر چیزی از من بخواهد به او عطا می‌کنم.»

اما با این حال برخی اعمال عبادی جلوه بیشتری دارند و سفر به مقصد حقیقی انسان را سریعتر می‌نمایند. حضرت عسکری علیه السلام می‌فرماید: «الْوُصُولُ إِلَى اللَّهِ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِإِتِّطَاءِ اللَّيْلِ؛ رسیدن به لقاء الله سفری است که در آن نمی‌توان به مقصد رسید مگر به وسیله شب زنده داری.»

یکی از عرفای بزرگ در مورد این حدیث نکاتی فرموده است که خالی از فایده نیست. آن بزرگوار می‌فرماید: از این حدیث استفاده می‌شود که:

۱- وصول به لقای حق ممکن است و ممتنع نیست.

۲- رسیدن به حضور حق با حرکت و سلوک امکان دارد نه با سکون و تحجر.

۳- راه وصول سخت و طولانی است و وسیله‌ای کارساز و مرکبی راهوار همانند سحرخیزی می‌طلبد.

۴- عبادتهای شبانه نیرومندتر و سریعتر از عبادتهای روزانه انسان را به

مقصد می‌رساند.^۱

به همین جهت حضرت عسکری علیه السلام در پیامی که به علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) فرستاده است، بر این نکته تأکید ورزیده و می‌فرماید: «وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْصَى عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، وَمَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَلَيْسَ مِنَّا، فَأَعْمَلْ بِوَصِيَّتِي وَأَمْرَ جَمِيعِ شِيعَتِي حَتَّى يَفْعَمَلُوا عَلَيْهَا؛^۲

بر تو باد که نماز شب بخوانی، همانا پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وصیت نموده و فرمود: ای علی! بر خودت نماز شب را لازم بدان! و کسی که خواندن نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. [ای علی بن بابویه!] به وصیت من عمل کن و به جمیع شیعیان من نیز فرمان بده که چنین کنند.»

دستاوردهای شب زنده داری

در طول تاریخ بزرگان زیادی از عالمان وارسته و مؤمنین به حق پیوسته

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰؛ الانوار البهیه، ص ۳۱۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۳؛ الامامة و التبصرة، علی بن بابویه قمی، ص ۱۶۲.

محمد باقر مجلسی در خاطرات خود می‌گوید: در یکی از شبها پس از اینکه از نماز شب و تهجد سحری فارغ شدم، حال خوشی برایم ایجاد شد و از آن حالت فهمیدم که در این هنگام هر حاجت و درخواستی از خداوند نمایم، اجابت خواهد شد، فکر کردم چه درخواستی از امور دنیا و آخرت از درگاه خداوند متعال نمایم که ناگاه صدای گریه فرزندم محمد باقر در گهواره‌اش بلند شد و من بی‌درنگ به خداوند متعال عرضه داشتم: پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، این کودک را مروج دینت و ناشر احکام پیامبر بزرگت قرار ده و او را به توفیقاتی بی‌پایان موفق گردان.^۱

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند
واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که این تازه براتم دادند
این همه شاهد و شکرکز سخنم می‌ریزد
اجر صبری است کز آن شاخ نباتم دادند

کسب بینشهای متعالی، رسیدن به عظمت روحی و روانی، به دست آوردن ملکه تقوی (بالا ترین معیار ارزش انسان)، صفای باطن و آزادگی روح، دوری از زشتیها و گرایش به خوبیها، آثار جسمانی، بهداشتی، فردی و اجتماعی، نمونه‌ای از ره آورد رفتار عبادی افراد است.

به این توصیه حضرت عسکری علیه السلام عمل نموده و از شب زنده داری و سحرخیزی نتایج سودمند و توفیقات چشمگیری را نصیب خود کرده‌اند. در اینجا با چند تن از این پاسداران حریم دل، دیداری تازه کرده و تجدید خاطره می‌کنیم:

۱- عالم بزرگوار مرحوم محمد تقی مجلسی، پدر بزرگوار علامه

۱. الفیض القدسی، ص ۱۱.

همت حافظ و انفاس سحر خیزان بود
 که زبند غم ایام نجاتم دادند
 و این چنین بود که دعای این
 عارف سحر خیز به اجابت رسید و
 فرزند دانشمندش آنچنان توفیقاتی در
 ترویج دین و نشر احکام پیامبر به
 دست آورد که موافق و مخالف را به
 حیرت واداشت، تا جایی که امروزه
 هیچ پژوهشگری در حوزه دین و
 علوم اسلامی از تألیفات این عالم
 وارسته و سخت کوش بی نیاز
 نمی باشد.

۲- آیت الله العظمی مرعشی نجفی،
 بزرگ فرهنگبان میراث اهل بیت علیهم السلام،
 در بیشتر علوم اسلامی صاحب نظر
 بود و تألیفات ارزشمند ایشان - که
 نزدیک به ۱۵۰ اثر در موضوعات
 مختلف است - گواه روشنی بر این
 حقیقت است. کرامات معنوی،
 دریافت بیش از چهارصد اجازه
 اجتهادی و روایتی از علمای بزرگ
 اسلامی، تدریس متجاوز از ۶۷ سال در
 حوزه علمیه قم و نجف، تربیت
 هزاران شاگرد و تأسیس صدها مدرسه
 علمی، مسجد، حسینیه و مراکز

فرهنگی، رفاهی و درمانی و ایجاد
 بزرگترین و مشهورترین کتابخانه در
 جهان اسلام از جمله توفیقات این فقیه
 فرزانه می باشد. او این همه توفیقات را
 از هفتاد سال مناجاتهای سحری و
 دعاها ی نیمه شبی و کرامات اهل
 بیت علیهم السلام می داند و با تأکید تمام وصیت
 می کند که: «سجاده ای که هفتاد سال بر
 روی آن نماز شب به جا آورده ام با من
 دفن شود.»^۱

اوقات خوش آن بود که با دوست به سر رفت
 باقی همه بی حاصلی و بی خبری بود
 هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ
 از یمن دعای شب و ورد سحری بود
 ۳- آیت الله شهید مرتضی
 مطهری، یکی دیگر از عالمان
 وارسته ای است که تمام توفیقات خود
 را مرهون عبادت خالصانه و ارتباط
 حقیقی با مبدأ جهان آفرینش است. آن
 شهید والا مقام و قهرمان میدانهای علم
 و اندیشه و عمل بر این باور بود که: «ما
 یک سلسله لذتهای معنوی داریم که
 معنویت ما را بالا می برد. برای کسی که

۱. وصیتنامه الهی - اخلاقی، ص ۲۲.

اهل تهجد و نماز شب باشد، جزء صادقین، صابرین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد... [آنان] به لذتهای مادی که ما دل بسته ایم هیچ اعتنا ندارند... آدمی اگر بخواهد از چنین لذتی بهره مند شود، ناچار از لذتهای مادی تخفیف می دهد تا به آن لذت عمیق معنوی برسد.^۱

استاد مطهری علیه السلام عمیقاً به این گفتار خود اعتقاد داشت و چنان به مناجاتهای سحری دلبسته بود و از لذتهای معنوی آن سرمست می شد که زمزمه های عاشقانه اش دیگران را نیز متأثر می ساخت.

حضرت آیه الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خاطرات خود آورده است: «مرحوم مطهری یک مرد اهل عبادت، اهل تزکیه اخلاق و روح بود.

هر شبی که ما با مطهری بودیم، این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت، یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد، به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار

می کرد... بله، ایشان نماز شب می خواند همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می شد آنرا شنید!^۲

۴- علامه عارف مرحوم سید علی آقا قاضی نیز سعادت دنیا و آخرت را در سحرخیزی و نماز شب می دانست. آن یگانه دوران و استاد اخلاق و عرفان، نه تنها خود به این گفتار عامل بود، بلکه شاگردانش را نیز در فرصتهای مناسب به این عمل توصیه و ترغیب می کرد. علامه طباطبائی می فرماید: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند، چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: «ای فرزند! دنیا می خواهی نماز شب بخوان، و آخرت می خواهی نماز شب بخوان.^۳»

حضرت عسکری علیه السلام در یکی از سخنان گهر بار خویش به فوائد روانی و جسمانی شب زنده داری اشاره

۱. حق و باطل، ص ۱۷۰.

۲. سرگذشتهای ویژه، ص ۸۸.

۳. مهر تابان، ص ۲۶.

انتسابش به جناب جعفر طیار (برادر گرامی امیر مؤمنان علیه السلام) جعفری لقب گرفته است. او از سرشناسان قبیله خود در بغداد و همنشین چهار امام معصوم - (امام رضا، امام جواد، حضرت هادی و امام عسکری علیهم السلام) - بوده و از این گرامیان حدیث نقل کرده است، همچنانکه پدرش نیز از روایان امام صادق علیه السلام به شمار می‌رود. ابوهاشم در اوائل غیبت صغری از ناحیه حضرت مهدی علیه السلام به عنوان وکیل و کارگزار آن وجود گرامی انجام وظیفه می‌کرد. او افزون بر نقل روایات متعددی از پیشوایان معصوم علیهم السلام، در علم حدیث کتابی مستقل نیز تألیف نمود. ابوهاشم مردی آزاده، شجاع و با شهامت بود، هنگامی که سر یحیی بن حسین بن زید (یکی از علویان پارسا و شجاع که بر علیه حکومت ستمگر مستعین عباسی قیام کرده و به شهادت رسید) و دیگر یاران وی را در بغداد نزد محمد بن عبدالله بن طاهر (حاکم مستبد عباسی) آوردند، سرشناسان بغداد و رجال دربار برای عرض تبریک به نزد حاکم رفتند و کشته شدن یحیی را تبریک گفتند. ابوهاشم جعفری نیز به نزد حاکم رفت و در حالیکه اعیان و اشراف و بزرگان مجلس حضور داشتند، بدون ترس و واهمه خطاب به حاکم گفت: ای امیر! این مردم درباره این کشته به تو تبریک می‌گویند، اما اگر رسول الله صلی الله علیه و آله اینجا بود به او تسلیت می‌گفتند. ابوهاشم در نزد اهل بیت علیهم السلام دارای مقام و منزلت ویژه‌ای بود و با بیان و اشعار حماسی خود از حریم اهل بیت علیهم السلام دفاع می‌کرد و به همین جهت در سال ۲۵۲ به همراه گروهی از طالبین به سامرا تبعید شده و در آنجا زندانی گردید.

(رجال نجاشی، ص ۱۵۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۸۵ و ج ۸، ص ۱۲۲؛ شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۳۸.)

فرموده و آرامش روحی و جسمی را یکی از دستاوردهای سحر خیزی می‌داند و می‌فرماید: «سحر خیزی لذت خواب را بیشتر می‌نماید و گرسنگی (روزه داری) لذت خوراک را افزایش می‌دهد.»^۱

اهمیت دادن به نماز

نماز در سیره و سخن حضرت عسکری علیه السلام همانند پدران بزرگوارش جایگاه ویژه‌ای دارد، در این زمینه چند روایت را می‌خوانیم:

(الف) ابوهاشم جعفری^۲ می‌گوید: روزی به حضور حضرت عسکری علیه السلام داخل شدم و مشاهده کردم آن حضرت مشغول نوشتن است. در همین موقع وقت نماز داخل شد. آن بزرگوار از کار نویسندگی دست کشیده و برای اقامه نماز به پا خواست. من با شگفتی تمام دیدم که قلم بر روی کاغذ همچنان حرکت می‌کرد و می‌نوشت تا اینکه کار

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۹ و ۳۷۹.

۲. داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر ابن ابی طالب که به ابوهاشم جعفری نیز معروف است، یکی از یاران نزدیک و مورد اطمینان امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. وی به خاطر

کتابت کاغذ به پایان رسید. من به شکرانه این کرامت به سجده افتادم و امام از نماز برگشته و قلم را بدست گرفته و به مردم اجازه ورود داد.^۱

(ب) عقید خادم می گوید: هنگامی که حضرت عسکری علیه السلام در بستر بیماری بود و واپسین لحظات حیات خویش را می گذرانید، مقداری داروی جوشانده خواست، ما آنرا آماده کرده و به محضرش آوردیم، امام متوجه شد که وقت نماز صبح رسیده است، فرمود: می خواهم نماز بخوانم، سجاده حضرت را در بسترش گستریم، امام از خادمه‌ایکه در آنجا حضور داشت آب وضو را گرفته و بعد از اینکه با آن آب وضوی کاملی را به جا آورد، آخرین نماز صبح را در همان بسترش خواند و لحظاتی بعد روح بلند آن حضرت به عالم بالا عروج نمود.^۲

(ج) شیخ طوسی از حضرت عسکری علیه السلام روایتی نقل می کند که در آن به جا آوردن پنجاه و یک رکعت نماز در هر روز یکی از نشانه های شیعیان راستین شمرده شده است. طبق این روایت، یک مؤمن

واقعی نه تنها در هر روز ۱۷ رکعت نمازهای واجبش را به جا می آورد بلکه خواندن سی و چهار رکعت نافله های آنرا نیز بر خودش لازم می شمرد. متن روایت چنین است: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِينَ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَزْبَعِينَ، وَالْتَحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۳

علامت اهل ایمان پنج تا است: بجای آوردن ۵۱ رکعت نماز [در هر روز]، خواندن زیارت اربعین، قرار دادن انگشتر [مجاز] در انگشتان در دست راست، مالیدن پیشانی [در هنگام سجده] بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم [در حال قرائت نماز].^۴

در توضیح فراز اول روایت لازم است به این نکته اشاره شود که مقصود حضرت از ۵۱ رکعت نماز، ۱۷ رکعت نمازهای واجب و ۳۴ رکعت نوافل

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴.

۲. کمال الدین، ص ۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۳۱.

۳. مصباح المتعجد، ص ۷۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۸. البته در کتاب وسائل الشیعه در فراز اول روایت «صلوة الخمسين» آمده است.

آنهاست. البته نافله به نمازهای مستحبی می‌گویند اما چون برای نافله‌های نمازهای واجب تاکید فراوان شده و بویژه در مورد نافله‌های شب سفارش بیشتری صورت گرفته است، به این جهت در این روایت انجام آنها در کنار نمازهای فریضه یکی از نشانه‌های اهل ایمان و شیعیان اعلام شده است.

ترتیب آنها همچنانکه در کتابهای فقه و حدیث و دعا آمده است در غیر روزهای جمعه این چنین می‌باشد: نافله نماز صبح دو رکعت و قبل از فریضه خوانده می‌شود. نافله نماز ظهر هشت رکعت و پیش از نماز ظهر، نافله عصر همانند ظهر هشت رکعت و قبل از فریضه می‌باشد و نافله نماز مغرب چهار رکعت، بعد از فریضه مغرب بوده و نافله نماز عشاء بعد از فریضه و دو رکعت نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت محسوب می‌گردد، و یازده رکعت هم نافله شب است که وقت آن از نصف شب تا اذان صبح می‌باشد. با این حساب ۳۴ رکعت نافله و ۱۷ رکعت فریضه جمعاً ۵۱ رکعت نماز

برای مؤمنین در هر روز منظور شده و در این حدیث بدان اشارت رفته است. (د) حضرت عسکری علیه السلام در یک روایتی به درجات اهل نماز اشاره کرده و فرمودند: زمانی که بنده به سوی جایگاه نمازش می‌رود تا نماز بخواند خدای عزوجل به ملائکه‌اش می‌فرماید: «آیا بنده مرا نمی‌بیند که چگونه از همه خلایق بریده و به سوی من آمده است، در حالی که به رحمت و جود و رأفت من امیدوار است؟ شمارا شاهد می‌گیرم که رحمت و کرامت خود را مخصوص او گردانیدم.»^۱

یادی از نماز خوبان

از امام حسن عسکری علیه السلام در ذیل آیه «وَيُؤَيِّمُونَ الصَّلَاةَ» داستانی در مورد نماز ابی ذر نقل شده است که مروری بر آن در اینجا مناسب می‌نماید. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: روزی حضرت ابوذر غفاری به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: یا رسول الله! من در حدود ۶۰ رأس گوسفند دارم و نمی‌خواهم بخاطر آنها

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۲.

همیشه در بادیه باشم و از فیض محضر شما محروم شوم و همچنین دوست ندارم آنها را به یک شبانی بسپارم تا به آنها ستم کرده و حقوقشان را رعایت نکند؛ تکلیف من چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فعلا برو و گوسفندان را بچران. ابی ذر طبق فرمان پیامبر به صحرا رفت و در روز هفتم به نزد پیامبر آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از وی سؤال کرد: ای اباذر! گوسفندان را چه کردی؟ او پاسخ داد: یا رسول الله گوسفندان من قصه شگفت انگیزی دارند! پیامبر فرمود: ای اباذر مگر چه شده؟ چه قصه ای؟ اباذر در پاسخ اظهار داشت: یا رسول الله! من مشغول نماز بودم، گرگی به گوسفندانم حمله کرد، پس گفتم: خدایا نمازم، خدایا گوسفندانم! در آن حال من متحیر بودم که نمازم را بشکنم و از گوسفندان دفاع کنم یا نمازم را ادامه دهم. ادامه نماز را انتخاب کردم، در این حال شیطان مرا وسوسه کرد و به من گفت: ای اباذر! چه می کنی؟ اگر گرگ گوسفندان را هلاک کند و تو همچنان نمازت را ادامه دهی در دنیا سرمایه ای برای زندگی ات

نخواهد ماند. به شیطان پاسخ دادم: برای من ایمان به وحدانیت خداوند و ایمان به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت برادرش علی علیه السلام و دشمنی با دشمنان آن بزرگواران بهترین سرمایه است که باقی خواهد ماند؛ بعد از اینها هر چه از من فوت شود اهمیتی ندارد. در این حال نمازم را ادامه دادم و گرگ یکی از گوسفندانم را ربود، اما با حیرت تمام دیدم که در آن لحظه شیری پیدا شد و گرگ را کشته و آن گوسفند را از چنگال وی رها کرده و به داخل گله بازگردانید. سپس مرا مورد خطاب قرار داده و [با زبان فصیحی] گفت: ای اباذر! نمازت را با خیال راحت ادامه بده، خداوند تبارک و تعالی مرا مأمور کرده که از گوسفندان مواظبت نمایم تا اینکه از نماز فارغ شوی. من نماز را به پایان رساندم در حالی که حیرت و تعجب تمام وجودم را فرا گرفته بود و خدا می داند که چه حالی داشتم. در این موقع شیر به نزد آمده و به من گفت: «اُنْصِرْ إِلَيَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله فَإِنَّ خَيْرَهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَكْرَمَ صَاحِبَكَ الْحَافِظَ لِكَلْبِكَ وَوَكَّلَ أَسَدًا بِغَنَمِهِ يَحْفَظُهَا؛ نزد

حضرت محمد ﷺ برو و به آن حضرت خبر بده که: خداوند متعال دوست تو را که از شریعت پاسداری می‌کرد گرامی داشت و برای گله‌اش شیری را به محافظت گماشت.» با شنیدن این ماجرا، همه حاضران از قصه اباذر شگفت زده شدند.

سجده و حالت‌های ملکوتی

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای اباذر! راست گفתי و به یقین من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام به راستی تو و قصه‌ات ایمان آوردیم. اما برخی از منافقین که در حدود ۲۰ نفر بودند، گفتند: محمد ﷺ با اباذر تبانی کرده‌اند که ما را بفریبند. ما باید خودمان او را تعقیب کنیم و ببینیم آیا واقعاً شیری در هنگام نماز از گله اباذر محافظت می‌کند؟ آنها آمدند و با چشمان خود دیدند که اباذر در حال نماز است و شیری گله او را می‌چراند و از آنها مواظبت می‌کند. هنگامی که اباذر دوباره به حضور رسول الله ﷺ شرفیاب شد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به وی فرمود: «یا اباذر! إِنَّكَ أَحْسَنَتْ طَاعَةَ اللَّهِ، فَسَخَّرَ اللَّهُ لَكَ مَنْ يُطِيعُكَ فِي كَفِّ الْعَوَادِي عَنكَ، فَأَنْتَ أَفْضَلُ مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَنَّهُ

۱. تفسیر امام العسکری علیه‌السلام، ص ۷۲ به بعد؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، با تلخیص.

فرشیان به سوی عرشیان پرواز می کنند و در آن حال است که: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ وَصَعَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱ تنها آفریدگار جهان در نظر آنان بزرگ است و ماسوی الله در منظرشان کوچک و حقیر می باشد.

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم در اینجا چند روایت در مورد عبادت های عاشقانه و سجده های طولانی حضرت عسکری علیه السلام را می خوانیم:

۱- محمد شاکری از همراهان امام عسکری علیه السلام در توصیف سیره عبادی - عرفانی آن حضرت می گوید: او در محراب عبادت می نشست و سجده می کرد در حالی که من پیوسته می خوابیدم و بیدار می شدم و می خوابیدم در حالی که او در سجده بود. او کم خوراک بود. برایش میوه هایی می آوردند، او یکی دو دانه از آنها را می خورد و می فرمود: محمدا! اینها را برای بچه هایت ببر.^۲

۲- عده ای از عوامل خلیفه عباسی نزد زندانبان امام عسکری علیه السلام - که

شخصی به نام صالح بن وصیف بود - آمده و به او گفتند: هر چه می توانی بر ابو محمد علیه السلام سخت بگیر و هیچگونه آسایشی برایش نگذار! صالح بن وصیف در پاسخ آنان گفت: چه کنم؟ دو نفر از بدترین و شرورترین مأمورانم را برای وی گماشته بودم، اینک هر دو در اثر معاشرت با ابو محمد علیه السلام نه تنها او را به دیده یک زندانی نمی نگرند، بلکه در عبادت و نماز و روزه به جایگاه رفیعی دست یافته اند. سپس دستور داد تا آن دو را حاضر کردند، عوامل خلیفه به آن دو گفتند: وای بر شما، مگر شما را چه شده که در مورد این مرد زندانی کوتاهی می کنید؟ آنان اظهار داشتند: در مورد شخصی که روزها روزه می گیرد و تمام شب را به عبادت و سحرخیزی سپری می کند، چه بگوئیم؟ او با کسی غیر از خدا همسخن نمی شود و به غیر عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال به کار دیگری نمی پردازد. هنگامی که به ما می نگرد از کان بدنمان می لرزد و

۱. نهج البلاغه، فرازی از خطبه همام.

۲. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۳.

نزدیکترین و میانبرترین راه به سوی حق زمانی است که انسان سر بر آستان ربوبی گذاشته و نهایت بندگی خود را به نمایش می‌گذارد.

رسول خدا ﷺ روزی مشغول تعمیر خانه‌اش بود و مردی از آنجا عبور می‌کرد. از نزدیک آمده و عرضه داشت: یا رسول الله! من بنایی بلدم، آیا به شما کمک کنم؟ پیامبر ﷺ به او اجازه داد. بعد از اتمام کار، حضرت رسول ﷺ به او فرمود: حالا در مقابل زحمت خود از ما چه می‌خواهی؟ بناً بلافاصله گفت: بهشت می‌خواهم. رسول الله لحظه‌ای سر به پایین انداخت و سپس پیشنهاد او را پذیرفت. هنگامی که مرد با خوشحالی تمام از پیامبر ﷺ جدا شد، حضرت او را صدا کرده و فرمود: «يَا عَبْدَ اللَّهِ! أَعِنَّا بِطَوْلِ السُّجُودِ»^۴ ای بنده خدا! [البته] تو هم ما را با سجده‌های طولانی یاری کن!

هیبت و جلالت او تمام وجودمان را فرا می‌گیرد. عوامل عباسی وقتی چنین دیدند با ناامیدی و حسرت تمام آنجا را ترک گفتند!^۱

عبادتها، ذکرها و سجده‌های آن حضرت آن چنان عاشقانه و پر سوز و گداز بود که در و دیوار و سایر موجودات و حتی دشمنانش را متأثر می‌ساخت و این همان مصداق آیه شریفه است که در مورد حضرت داود عليه السلام می‌فرماید: «يَسْتَبِخِنُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ»^۲: «کوهها [به همراه حضرت داود عليه السلام] هر شامگاه و صبحگاه تسبیح می‌گفتند.»

حضرت عسکری عليه السلام همواره در مورد سجده‌های طولانی به شیعیانش توصیه کرده و می‌فرمود: «اوصيكم بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ فِيهِ... وَطَوْلِ السُّجُودِ»^۳ شما را به پارسایی، پرهیزگاری در دینتان و تلاش برای خدا... و انجام سجده‌های طولانی سفارش می‌کنم.»

سجده‌های طولانی و خاکساری در برابر حق آثار ارزشمندی برای بندگان خدا جوی به همراه دارد و

۱. کشف الغم، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲. ص ۱۸.

۳. تحف العقول، ص ۴۸۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۸.